

دانشگاه تبریز

کوشش مجددانه برای تجدید حیات دانشگاه تبریز و کلید اقداماتیکه بوسیله مسئولان جدید این دانشگاه بعمل آمده و میآید میبایست از سالها پیش صورت میگرفت، نظری بگذشته دانشگاه تبریز این واقعیت انکارناپذیر را نشان میدهد که دانشگاه مزبور نه از نظر کیفیت و نه از نظر کمیت در قواره خصوصیات زمان انقلاب ایران نبوده است با اینکه این دانشگاه بعدازدانشگاه تهران پرسابقهترین دانشگاه وطن ما در دوران حاضر شناخته میشود.

رسیدگی و توجه باین مطلب که چرا دانشگاه تبریز با چنان وضع رقتانگیز و ملالت باری روبرو بود گرچه میتواند آینه تمام نمائی از معایب دستگاه آموزش و پرورش مملکت باشد ولی از آنجا که امر نوسازی در تمام زمینه های حیات جامعه ایران بخصوص در زمینه آموزش و پرورش میتواند جدای از گذشته جریان یافته و بجای صرف وقت برای موشکافی مسائل نادرست دوران عقبماندگی به افق تابناک آینده بنگرد ما نیز از تکیه بر روی گذشته سیاه میکنیم و به حال و آینده توجه میکنیم.

آنچه که مسلم است از یکی دو ماه پیش که به امر شاهنشاه دانشمند و روشنفکر ایران تغییرات اساسی و اصولی در دانشگاه تبریز بعمل آمد رئیس جدید دانشگاه و همکاران ایشان کوشش نموده اند و اقعاً مجری نیات شاهنشاه بوده و اوامر معظم‌الیه را در جهت تأمین رفاه مادی و معنوی دانشجویان، آماده ساختن محیط دانشگاه برای تحصیل و چیز آموختن، استخدام جوانان تحصیل کرده داخل و خارج که با نوترین پدیده های علم و تکنیک آشنائی کامل دارند برای تدریس و تربیت نسل جوانیکه با یکدنیا امید و آرزو و اعتقاد بآینده بدرون دانشگاه راه یافته اند، بمرحله اجرا گذارند.

این عشق و علاقه مفرط بدرک صادقانه تعالیم شاهنشاه آنهم در شرایطی که کشور ما بیش از هر زمان دیگر احتیاج به نوسازی خالی از ریا و تزویرو چابلوسی و تملق گوئی دارد میتواند نمونه بسیار ارزنده ای از ایمان راسخ نسل جوان و زحمتکس مملکت به اصالت انقلاب اجتماعی ایران و قوائد بلندپایه آن

باشد ، مردم کوچ و بازار ، همین مردمیکه سالهای متمادی رنج عقب ماندگی اجباری را کشیده و شاهد و ناظر اثرات ناخوش آیند آن در سراسر زندگی خود بودند ، اکنون خواستار آنند که طبقه روشنفکر کشور که خواه ناخواه درصاف اول مبارزه شرافتمندانه برای ایجاد زندگی بهتر قرار گرفته‌اند **گوش بفرمان شاهنشاه صادقانه در طریق انقلاب شاه و مردم گام‌نهند و مشتاقانه با کارشبانان روزی خود آرمان رهبر انقلاب را که بدون تردید تجلی کاملاً منطقی احتیاجات عصر حاضر و زمان نوین است در صحنه زندگی ملت ایران پاسداری کنند و این فی الواقع حداقل آن انتظاری است که مردم میتوانند از تمام کسانی که بنحوی در اجرای قوانین و مقررات مصوبه انقلاب دخالت دارند داشته باشند و درست به همین مناسبت است که در دوران حاضر سستی و کج سلیقه‌ی آندسته از مجریان امور که هنوز در قالب احتیاجات زمان قرار نگرفته‌اند شدیداً تولید نارضائی میکنند و البته بهمین نسبت هم کاربری انقلابی خدمتگذاران صدیق و پاکدل که تعداد آنها در دستگاه اجرایی مملکت اکثریت چشم‌گیری را تشکیل میدهد موجی از امید بآینده در بین توده های مردم ایجاد کرده و رضای خاطر عمومی را فراهم میسازد .**

بهترین دلیل بر منطقی بودن این طرز استدلال همین قضاوتی است که مردم در باره اقدامات اخیر در دانشگاه تبریز میکنند ، مردم اعتقاد دارند در صورتیکه مصادر و مسئولان امور صادقانه در راه اجرای منویات شاهنشاه کوشش نمایند و مصالح عمومی را فدای منافع شخصی و تمایلات خصوصی خود نکنند سرعت حرکت جامعه بسوی ترقی و کمال چند برابر خواهد شد و چیزی نخواهد گذشت که همه کمبود های موجود را جبران کرده و تمام نواقص را برطرف خواهیم ساخت و این مسأله قبل از هر چیز ضامن سلامت فکر و عدم آسیب پذیری ایدئولوژیک کلیه افراد اجتماع میباشد یعنی همان مطلب اساسی و مهمی که بمثابة سلاحی مقتدر و توانا دشمنان این آب و خاک را در اجرای نقشه های شوم و توطئه های اخلاک‌گرا نه خود با شکست و ناکامی روبرو میسازد ، و بر این اساس بی دلیل نیست که هر گام مثبت و ثمر بخشی که در این سرزمین برداشته میشود موجب خشم و کینه دشمنان میگردد .

دانشگاه تبریز به کادر جوان و مبتکر و ترقی خواه مجهز شده است .
 دانشگاه تبریز حیات علمی و آکادمیک جدیدی را آغاز کرده است .
 دانشگاه تبریز می خواهد بصورت یکی از واحدهای زنده و فعال سازمان
 آموزش و پرورش مملکت در آید .

در دانشگاه تبریز روح میهن پرستی و شاه دوستی بمعنی واقعی و اصیل خود
 بیش از پیش تقویت میشود .

در دانشگاه تبریز بسیاری از اقدامات ضروری و اولیه جهت بهبود وضع
 تحصیلی و مادی و معنوی دانشجویان عزیز انجام گرفته است . و برای آینده این
 دانشگاه نیز برنامه های وسیعی در نظر گرفته شده است که اجرای کامل آنها
 بدون تردید این مؤسسه آموزشی مهم را بصورت یکی از بزرگترین دانشگاههای
 خاورمیانه در خواهد آورد ، حتی ما میتوانیم در این دانشگاه شرایط تحصیل
 مساعد برای دانشجویان خارجی فراهم کنیم و تمدن و فرهنگ خود را بآنها
 بیاموزیم ، زیرا دانشگاه تبریز از شرایط و مختصات زمانی و مکانی مخصوصی
 برخوردار است که نباید و نمیتوان آنها را نادیده گرفت .

روح میهن پرستی بما فرمان میدهد که موضوع دانشگاه تبریز و کلیه
 مسائل مربوط بآنها و همچنین نقش ارزنده ای را که این دانشگاه در منطقه
 میتواند برعهده بگیرد مقدم و برتر از سایر مسائل دانشگاههای ایران مورد
 مذاقه و باریک بینی قرار دهیم و این آن مطلبی است که در گذشته اصلاً بآن توجهی
 نشده است و همین بی توجهی که مستقیماً نتیجه سستی عقیده و ایمان گردانندگان
 این دانشگاه بوده است آنچنان مشکلاتی ایجاد کرده بود که بعضی هافکر میگردند
 برای اصلاح دانشگاه تبریز هیچ راهی جز انحلال آن باقی نمانده است ، واقماً
 هم اگر یک دستگاه آموزشی که وظیفه اش تربیت نسل جوان مملکت و آدم سازی
 میباشد نتواند و قادر نباشد باین وظیفه بپردازد صلاح در آنست که منحل گردد
 زیرا صدماتی که از موجودیت آن متوجه کشور خواهد شد بر مراتب از فوائد
 احتمالی آن بیشتر است .

ما بارها در همین مجله تأکید کرده ایم که فساد در سازمان آموزش
 نسل های آینده را نیز متأثر و متألم میکند بهمین مناسبت کسانیکه در کار تعلیم
 و تربیت به تباهی و انحراف میگردانند و بهیچوجه آمادگی و شایستگی لازم را

برای تقبل چنین مسئولیت خطیری ندارند نه فقط بخود و نسل حاضر خیانت میکنند بلکه آینده مملکت را هم دچار مخاطراتی مینمایند، مخاطراتی که مستقیماً متوجه هستی و بقای يك ملت میگردد و اثرات ویرانکننده آن برای قرن‌ها در ذهن و در زندگی مردم مشاهده میشود.

در عصر حاضر دانشگاه بعنوان يك ارگان سازنده و پوی ریز در صورتی محترم و قابل ستایش است که قادر بانجام وظایف اصیل و اساسی خود باشد و تردید نیست که باراین وظایف رازمانی میتواند بردوش کشد که عوامل تشکیل دهنده آن هر يك بنوبه خود قابلیت و لیاقت درك مختصات و اهمیت وظیفه‌ای را که تقبل کرده‌اند داشته باشند.

دانشگاه باید محیطی باشد که در آن نسل جوان امکان آماده شدن برای ورود با اجتماع و صحنه پر تلاش زندگی را پیدا نماید و این میسر نیست مگر آنکه عوامل دستگاه اداری دانشگاه، اساتید و همچنین دانشجویان بصورت يك نیروی متشکل و متمرکز درآمده و برای رسیدن به هدف که همان سازندگی مادی و معنوی جامعه بر اساس عالیترین مرحله پیشرفت و تمدن شکوفان جهان مترقی باشد به جنبشی عظیم برخیزند.

در این میان دستگاه اداری و یا هیأت رئیس دانشگاه نقش برتر را بر عهده دارد زیرا در حقیقت این گردانندگان سازمان اداری دانشگاه و بمعنی وسیع کلمه، میباشند که چنین نیروی فشرده‌ای را برای رسیدن به چنان هدف عالی تجهیز میکنند، حال اگر این دستگاه فاسد باشد وضع دانشگاه به فلاکت و ادبار خواهد کشید و از دانشگاه چیزی جز يك کانون قابل انفجار و قبرستانی که مدفن بهترین استعدادها و لایق‌ترین انسانهاست بر جای نخواهد ماند.

ریاست دانشگاه، استادی دانشگاه و تحصیل در دانشگاه در صورتی با احترام و افتخار توأم است که واحد دانشگاه در جمع خود قادر بکشودن و مسطح ساختن شاه راههای متعدد بسوی نیکیبختی، سعادت و رفاه يك ملت باشد.

شاهنشاه ایران ضمن تعالیم حکیمانه خود بارها و بدفعات مسأله آموزش و پرورش را مورد مذاقه کامل قرار داده و خاطر نشان ساخته‌اند که استقلال و تمامیت يك کشور بستگی جدائی ناپذیر بدواصل دارد، یکی اصل تأمین قدرت تدافعی و نظامی کافی برای سرکوبی هرگونه تجاوز

مسئله‌ها و دیگری اصل ایمان و اعتقاد که لازم است مبتنی بر تفکر منطقی و قبول حقایق ایدئولوژی و آرمان ملی باشد.

بدون تردید تحکیم مبانی اعتقاد و تعیین جهت‌گیری‌های فکری يك جامعه

از کانون‌های آموزشی و سازمان‌های فرهنگی که کلاتحت عنوان دستگاه آموزش

و پرورش شناخته می‌شوند آغاز می‌گردد و هم در آنجاست که بنای ایدئولوژیک

اجتماع استوار می‌شود، شمع‌ی که در دانشگاه روشنی می‌دهد مشعل فروزانی

خواهد شد که راه ملتی را بسوی آینده‌ای امیدبخش و هستی‌زا پرفروغ می‌کند.

پس نگذارید و نگذاریم این شمع‌های تازه روشن شده، این نهال‌های امید،

این آرزوهای ملتی بزرگ، این سربازان برومندی که حافظ این آب و خاک

و تضمین‌کننده آینده این سرزمین هستند هنوز بمرحله شکوفان نرسیده پژمرده

ولگدمال شوند، اجازه دهید و امکانات را از هر جهت فراهم سازید تا در محیط

دانشگاه‌های ما استعدادها نمایان گردند، غنچه‌ها بشکفند و شخصیت‌های

ارزنده انسانی ظهور کنند، باشد تا طریقتی‌نو برای پاسداری و حفاظت از

آرمان‌نو ابداع شود و خلق از بند رسته‌وطن ما با فکری سالم، نیرویی شگرف

و اعتقاد راسخ به حقایق و اصالت ایدئولوژی خود، سازنده جزئی از عظمت

قرن حاضر گردد.

این خواست و آرزوی هر ایرانی است که دستگاه آموزش و پرورش

مملکت قبل از هر دستگاه دیگر در خدمت مردم درآید و از هر گونه لغزش و

انحراف بهر شکل و بهر اندازه که باشد دور بماند و البته این کار مشکلی نیست

یعنی اصلاح عمیق و همه‌جانبه دستگاه آموزش و پرورش از طریق دست‌زدن

یک تصفیه منصفانه و بی‌غرضانه در رهبری و مدیریت آن کاملاً امکان پذیر است

در این مسأله حرفی نیست که يك مقدار از انتقادات کنونی بسدسنگاه

مزبور نتیجه غیز کافی بودن امکانات مادی و تکنیکی آنست یعنی کمبود بودجه،

کمبود وسایل کار و کمبود نیروی انسانی خودبخود بمثانه ترمزی است در راه

رسیدن به‌هدف ولی نباید اجازه داد که این قبیل مشکلات مادی بمنزله سرپوشی

باشند برای مخفی ساختن عوامل فسادزائی که هیچ ارتباطی با کمبودهای فیزیکی

ندارند، یکدستگاه آموزشی بهر اندازه که از نظر مادی ضعیف و در تنگنا

باشد بسادگی می‌تواند همان امکانات ناچیز خود را در جهت تأمین منافع عمومی

مملکت و تحکیم مبانی آرمان ملی بخدمت گمارد ، و این البته در صورتی امکان پذیر است که مدیران آن دستگاه بدرک صحیح شرایط و خصوصیات زمان نائل آمده باشند و گام نهادن در راه مردم را از وظایف نخستین خود بدانند تحقق این امر بخصوص در مورد آموزش و پرورش اهمیت ممتاز کسب میکند ، زیرا این دستگاه از یکطرف سازنده عصر حاضر و از طرف دیگر بنیان گذار دوران آینده است. و طبیعی است در صورتیکه باوظیفه خود آشنا نباشد و نتواند در قالب نو با پیشرفت اجتناب ناپذیر دنیای مترقی هماهنگ و همگام شود بالاجبار خالق آنچنان تضادی خواهد بود که جامعه را بشکلی کاملاً ناموزون بسوی انارشسیم فکری و عدم تعادل روحی و همچنین گسیختگی تشکیلاتی سوق میدهد و حال آنکه وظیفه عمده و اساسی دستگاه آموزش و پرورش تربیت فکر و جسم توده‌ها برای نبرد و پیروزی در صحنه پرا التهاب زندگی جدید و درک و فهم منطقی آرمان نوساز دورانی است که جز تکامل مداوم و پیشرفت وقفه ناپذیر چیزی نمیشناسد .

در جامعه‌ما که می‌رود تا همه چیز کیفیتی نو پیدا کند و قالب‌ها و الگوهای کهنه یکی بعد از دیگری شکسته میشوند و از درجه اعتبار ساقط میگردند امر آموزش و پرورش بمثابه جریانی پیشتاز و بنیان گذار شناخته شده است ، لذا بی دلیل نیست اگر مشاهده میگردد که همه میهن پرستان صدیق و ترقی خواهان فهم این مرزوبوم مشتاقانه و در کمال شهامت با دید انتقادی باین مطلب توجه دارند و میکوشند تا سازمان آموزش و پرورش ما بمعنی وسیع خود و از تمام جهات با پیشرفتی که آغاز کرده ایم همراه و همدوش شود و گامی نیز فراتر نهد. توجه کافی به نظر اصلاحی و انتقادی کسانی که تمام عمر معلم بوده اند و

در پهنه تلاش فرهنگی کشور احترام و حیثیت فراوان دارند و بهمین جهت مجرب ترین سازندگان و معماران فرهنگ نو و انقلابی عصر جدید وطن ما شناخته میشوند در مورد دستگاه آموزش و پرورش میتواند بسیاری از مشکلات و کمبود های ما را در این زمینه برطرف ساخته و راه را برای ایجاد فرهنگی متناسب با شرایط دوران نوین هموار کند .

افرادیکه امروز دانشگاه تبریز را اداره میکنند مسلماً معجزه نکرده اند آنها اولاً معلم هستند ثانیاً قادر به درک مختصات زمان میباشند ، آنها بمراتب

بهرتر از اسلاف خود توانسته‌اند با واقعیت و اصالت انقلابی که در ایران رخ داده است، انقلابی که زیربنای جامعه ما را بکلی دگرگون ساخته و روابط اقتصادی و اجتماعی را بر اساس و پایه‌نوینی استوار نموده آشنا و مأنوس کردند، آنها نه فقط به اعتبار نقش نسل جوان در سازندگی ایران نوین پی برده‌اند بلکه بنظر ما از زمره بهترین شاگردان مکتب فکری وایدئولوژیک شاهنشاه روشنفکر و مبتکر ایران شناخته میشوند، آنها در همین مدت کوتاه نشان دادند که برای انجام و طیفه لازم نیست حتماً تمام شرایط مساعد فراهم باشد.

ایمان و اعتقاد راسخ وقتی توأم با کارشانه‌روزی و خستگی ناپذیر و عشق به میهن و علاقه به سرنوشت نسل جوان و مردم زحمتکش و دردمند گردید
میتواند گره مشکلات را از پیش بردارد و شرایط مساعد را ایجاد کند.

ما معتقدیم اقداماتی که در دانشگاه تبریز شده است میتواند و باید الگویی برای سایر دانشگاه‌های کشور باشد.

اگر از خودخواهی‌های بیجهت، از تمایل به حفظ منافع شخصی و از تکبر و خود بزرگ‌بینی دور شویم، اگر قدرت بر خورد با واقعیات را بهر اندازه که ناراحت‌کننده باشند پیدا کنیم و اگر هدف و منظوری جز خدمت بکشور، به آینده آن و به شاهنشاه خود که مظهر اراده ملی و پناهگاه مظلومان و حقیقت‌جویان میباشند نداشته باشیم و بالاخره اگر در زندگی خود ریا و ظاهر سازی و تزویر و دروغ پردازی را الگوی فعالیت‌های خود نکنیم، چرا موفق نشویم، چرا نتوانیم مسائل و مشکلات را حل کنیم، چرا نتیجه کار ما چشم‌گیر و ثمربخش نباشد.

آنچه که مسلم است مردم همه چیز را درک میکنند، افکار عمومی در بیشتر موارد عادل‌ترین قاضی روزگار است، همین افکار عمومی است که بحق فردی و یا جریانی را محکوم و یا تأیید و حمایت میکند و همین احکام عادلانه میباشند که در تاریخ بعنوان اسناد پراعتباری از حیات و چگونگی زندگی ملت باقی خواهند ماند و آیندگان از روی آنها قضاوت خواهند کرد، قضاوتی صحیح نسبت به گذشته.

در این‌جا روی سخن ما با دستگاه دولت است و با کسان است که بعنوان

قوم‌محریه در متن انقلاب اجتماعی ایران قرار دارند ، با کسانیکه که تجهیز جامعه برای رسیدن به هدف از وظایف اولیه ایشان است ، میگوئیم دولت باید از برخورد با واقعیات نهراسد ، دولت نباید از پیروزیهای بدست آمده در مرحله سازندگی کشور سرمست شده و خود را بی‌نیاز از تلاش و کوشش بیشتری بدانند در طول تاریخ کشور ما مردم هرگز از هیچ دولتی بآن اندازه که از دولت کنونی انتظار دارند توقع انجام کار مثبت و مفید نداشته‌اند ، و در این مورد کاملاً محق هستند زیرا دولت فعلی از تمام امکانات لازم و مساعد برای اقدامات وسیع و سازنده در تمام زمینه‌ها برخوردار است و از همه اینها ارزنده‌تر آنکه شاهنشاه ایران تمام قدرت مادی و معنوی خود و ملت خود را یکجا در اختیار دولت دوران انقلاب قرار داده‌اند ، اگر بازم سرعت حرکت ما مناسب و کافی نباشد این‌گناه از کیست از ملت است یا از دولت ؟!

از ملتی است که آماده برای هر گونه جان‌بازی است یا از دولتی که میبایست از این همه آمادگی و حسن نیت و از اینهمه شوق بزندگی حداکثر استفاده را در راه بنای ایرانی آباد و مرفقی بنماید . ۹۱
آنچه که مسلم است دولت باید در مجموع خود کوشش و فعالیت بیشتری نشان دهد .

لازم است از افرادی که شور انقلابی و قدرت سازندگی پرتوان‌تری دارند بصورت همه‌جانبه‌تر استفاده شود .

بعلاوه هرگز نباید اجازه داد که روی کانون های فساد سرپرش های فریبده گذاشت و انتقاد سالم را خفه کرد ، شاهنشاه ایران بارها تعلیم داده‌اند که باروش کج‌دار و مریز هرگز بارما بمنزل نخواهد رسید و برای اینکه جای تردید باقی نماند خود نیز مستقیماً وارد صحنه کارزار برای پایان دادن باینگونه روش های خانمانسوز شدند و بحق بعنوان امید ملتی بزرگ و زحمتکش بار همه مصائب را بردوش کشیدند ، این خیانت است که ما از رهبر وقائد ملت دوست روشنفکر و زحمتکش خود الهام نگیریم ، این خیانت است که نسبت به آموزش جاودانی فداکارترین انسان دوران خود صادق و صمیمی نباشیم . کسانیکه بخواهند تحت‌الوای دفاع از دکترین شاهنشاه و جانب‌داری از انقلاب شاه و

مردم بهمان منفعت طلبی های روزگار سیاه گذشته که هرگز درشان ملت گرامی ما نبوده است بگروند از راه حقیقت و انصاف منحرف شده اند ، علیه تکامل اجتناب ناپذیر جامعه قیام کرده اند ، آنها حتی بخود و فرزندان شان خیانت نموده اند ، مسلم است که چنین افراد منحرفی لیاقت خدمت در دوران انقلاب را نخواهند داشت .

روزگار ما روزگار وقت گذرانی و استفاده جوئی و روش های باری بهزحمت نیست و اصولاً شرایط ما دیگر اجازه چنین گرایش های ارتجاعی را نمیدهد .

ما در مزرعه ، در کارخانه ، در کانون خانواده ، در مدرسه و دانشگاه و مجموعاً در اجتماع خود میزان ها و انگاره ها را عوض کرده ایم ، همه چیز در جهت تکامل خود دگرگون شده است و اکنون برویرانه گذشته ها کاخ سعادت و نیکبختی ملت ایران بنامیگردد .

حق این است که برای تکمیل این بنا از عوامل و عناصری استفاده شود که از صمیم قلب و باتمام وجودشان معتقد به حقانیت و اصالت کاریکه آغاز شده و ادامه مییابد باشند .

آموزش و پرورش مملکت ستون اصلی این کاخ است اگر این ستون ضعیف باشد کاخ با همه زیبایی خود فروخواهد ریخت ، پس ایجاد یک دگرگونی شدید فوری و اصولی در سازمان آموزش و پرورش کشور از هر لحاظ ضروری و غیر قابل اجتناب است ، این دگرگونی باید از کودکستانها آغاز شود و به دانشگاهها ختم گردد و ما اعتقاد داریم برای توفیق در این امر حیاتی کفایت تعالیم شاهنشاه را خوب بیاموزیم و براساس آنها صادقانه ، صمیمانه و بدون تزویر و چاپلوسی انجام وظیفه کنیم ، باشد تا واقعاً موفق گردیم .